

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

جستارهایی در

پانسکو



هو العزيز



وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

# جستارهایی در پلاسکو

توزیع محدود

پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات



## وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

### جستارهایی در پلاسکو

توزیع محدود- ویرایش دوم

۱۰ بهمن ۹۵

#### با جستارهایی از:

محمد آقاسی، علیرضا آقاییوسفی، ریحانه اصلان زاده، سیدمهدی اعتمادی فرد، آرمین امیر، حسین ایمانی جاجرمی، یاسر باقری، عبدالله بیجرانلو، ناصرالدین-علی تقویان، سمیه توحیدلو، مجتبی توسل، حمیدرضا جلایی پور، ریحانه جوادی، محمدرضا جوادی یگانه، ابراهیم حاجیانی، مهدی حسین زاده فرمی، هادی خانیکی، سیدمحمد مهدی خوبی، مجتبی دلیر، حسین راغفر، جبار رحمانی، محمد مهدی رحمتی، مهدی روزخوش، سعیده زادقناد، احسان سلطانی، احسان شاه قاسمی، غلامرضا صدیق اورعی، رضا صفری شالی، عباس عبدی، حامد طالبیان، حمید طاهری، فاطمه سادات علمدار، فردین علیخواه، موسی عنبری، غلامرضا غفاری، محمدجواد غلامرضا کاشی، محمد فاضلی، نعمت الله فاضلی، مقصود فراستخواه، جولان فرهادی بابادی، ناصر فکوهی، مجید فولادیان، سید احمد فیروزآبادی، محمدمامین قانع راد، علی قنبری، محمدرضا کلاهی، مسعود کوثری، رضا مختاری اصفهانی، علیرضا مشهدی زاده، محمد معماریان، مهدی منتظری مقدم، نوح منوری، سیدجواد میری، سیدعبدالامیر نبوی، آرش نصر اصفهانی، عباس نعمتی، سیدضیاء هاشمی، سیده راضیه یاسینی.

با مقدمه: سیدرضا صالحی امیری

به کوشش:

محمدرضا جوادی یگانه، جبار رحمانی، سعیده زادقناد، عبدالله بیجرانلو



۱۳۹۵



عنوان و نام پدیدآور	جستارهایی در پلاستیک/ به کوشش محمدرضا جوادی یگانه، جبار رحمانی، سعیده زادقناد، عبدالله بیچرانلو. با مقدمه سیدرضا صالحی امیری.
مشخصات نشر	تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	۵۲۱ص.
موضوع	بلاها -- جنبه‌های جامعه‌شناختی.
موضوع	رسانه‌ها و افکار عمومی.
موضوع	مسائل اجتماعی -- ایران -- تهران.
موضوع	مدیریت بحران -- ایران -- تهران.
موضوع	بلاها -- آینده‌نگری.
رده‌بندی کنگره	۱۳۹۵ ج ۲ / HV ۵۵۳
	وضعیت فهرست‌نویسی فیبا
	رده‌بندی دیویی
	۳۴۷/۳۶۳

## جستارها





پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات  
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

ناشر: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات  
به کوشش: محمدرضا جوادی یگانه، جبار  
رحمانی، سعیده زادقناد، عبدالله بیچرانلو.  
با مقدمه: سید رضا صالحی امیری، وزیر  
فرهنگ و ارشاد اسلامی  
صفحه‌آرا: وحید لنجان‌زاده  
روی جلد: از مجموعه «ایستاده در غبار»،  
اصغر خمسه. خبرگزاری مهر.

همه حقوق این اثر برای پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات محفوظ است.  
در صورت تخلف، پیگرد قانونی دارد.

نشانی: تهران، پایین‌تر از میدان ولی‌عصر (عج)، خیابان دمشق، شماره ۹، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات  
صندوق پستی: ۶۲۷۴ - ۱۴۱۵۵. تلفن: ۸۸۹۰۲۲۱۳. دورنگار: ۸۸۹۳۰۷۶. Email: nashr@ric.ir



## فهرست مطالب

۷ ..... پلاسکو از آغاز تا پایان

### مدیریت و سیاست شهری

- ۱۵ ..... گزارش ملی پلاسکو / محمد فاضلی
- ۲۵ ..... پیام پلاسکو / سید ضیاء هاشمی
- ۳۱ ..... مدیریت شهری و درس های پلاسکو / حسین ایمانی جاجرمی
- ۳۵ ..... تحلیلی آسیب شناختی بر موقعیت بحران های کالبدی شهر / ناصر فکوهی
- ۴۳ ..... ماجرای «پیک نیک» و جامعه شناسی «پلاسکوها» / موسی عنبری
- ۴۹ ..... فروپاشی پلاسکو نماد فروپاشی الگوی توسعه شهری / محمد امین قانع راد
- ۵۷ ..... آتش پلاسکو روشن است! مگر... / مجتبی توسل
- ۶۵ ..... جامعه ساختمان پلاسکو و درس هایی که نمی آموزیم / حسین راغفر
- ۷۱ ..... مسئولیت شهرداری در حادثه پلاسکو / علیرضا مشهدی زاده
- ۷۹ ..... مدیریت فرسوده / سید عبدالامیر نبوی
- ۸۷ ..... خوب، بد، زشت: درس های پلاسکو / محمد مهدی رحمتی
- ۹۷ ..... هزینه های استهلاک و بی توجهی به آن در پلاسکو / غلامرضا صدیق اورعی
- ۱۰۳ ..... ساختارهای خالق حادثه ساختمان پلاسکو / احسان سلطانی
- ۱۱۱ ..... آتش پلاسکو؛ احیاگر مشکلات تاریخی ایرانیان / رضا مختاری اصفهانی
- ۱۱۹ ..... چتری برای پلاسکو / یاسر باقری
- ۱۲۹ ..... قربانیان نامرئی پلاسکو / آرش نصر اصفهانی
- ۱۳۵ ..... عدم توازن امنیت حیات ایرانی / مهدی حسین زاده فرمی

## فرهنگ و جامعه

- ۱۴۳ ..... پرسش پلاسکو / نعمت‌الله فاضلی
- ۱۵۵ ..... پلاسکو و امر نمی‌دانم / سیدجواد میری
- ۱۶۱ ..... با پلاسکو می‌توان «جامعه در آغوش خطر ایران» را اسکن کرد / جلالی پور
- ۱۶۹ ..... ققنوس پلاسکو و تکوین مقوله «مردم» در غیاب حکمرانی کارآمد / جبار رحمانی
- ۱۷۵ ..... ساختمان پلاسکو و احساس بی‌پناهی مردم / محمدجواد غلامرضا کاشی
- ۱۸۷ ..... حادثه ساختمان پلاسکو و فرهنگ اعتماد / غلامرضا غفاری
- ۱۹۵ ..... ظرفیت سرمایه اجتماعی و واقعه پلاسکو / سید احمد فیروزآبادی
- ۲۰۳ ..... اعتماد؛ کلید جامعه خود-ترمیم‌گر / فردین علیخواه
- ۲۰۹ ..... پلاسکو و نشانه‌شناسی یک ازدحام / مقصود فراستخواه
- ۲۱۵ ..... پلاسکو، یادگیری و آگاهی ملی / ابراهیم حاجیان
- ۲۲۵ ..... بررسی زمینه‌های بحران پلاسکو با تأکید بر منزلت اجتماعی / مهدی اعتمادی‌فرد
- ۲۳۳ ..... ساختمان پلاسکو و اهمیت آموزش مهارت‌های زندگی / مجتبی دلیر

## اخلاق اجتماعی و خلیقات ایرانی

- ۲۴۳ ..... آیا مردم هم در فروریختن پلاسکو مقصرند؟ / محمدرضا جوادی یگانه
- ۲۵۱ ..... حادثه پلاسکو و فرهنگ عمومی / محمدرضا کلاهی
- ۱۶۲ ..... حادثه پلاسکو و مظنونان همیشگی: «مردم» / مهدی روزخوش
- ۲۷۱ ..... تقدیرگرایی، گم‌گشتگی آینده، و ظهور فاجعه پلاسکو / مجید فولادیان
- ۲۷۹ ..... همه ایرانی‌اند، بعضی‌ها ایرانی‌ترند / آرمین امیر
- ۲۸۹ ..... پلاسکو، فقدان همدلی در زیست جمعی ایرانی / علی قنبری
- ۲۹۹ ..... آیا آنها گوسفندند؟ / فاطمه سادات علمدار
- ۳۰۹ ..... فرایند اندیشه نسلی؛ آنچه که انجام می‌دهیم / مهدی منتظری‌مقدم
- ۳۱۷ ..... مناسک پلاسکو / سعیده زادقناد

## رسانه‌های جمعی و اجتماعی

- ۳۲۷ ..... پلاسکو: سیلی سخت فاجعه / مسعود کوشری
- ۳۴۱ ..... تصویری از رسانه‌ای شدن یک حادثه / هادی خانیکی
- ۳۴۷ ..... درباره روایت رسانه ملی از واقعه ساختمان پلاسکو / سیدمحمد مهدی خوبی
- ۳۵۵ ..... ۱۲۴ دقیقه تعلیق / محمد معماریان
- ۳۶۵ ..... اختلال رسانه‌ای و نقص جامعه‌پذیری / عباس عبدی

- ۳۷۱ ..... مصیبت به منزله درنگی برای آینده / سمیه توحیدلو
- ۳۸۱ ..... پلاسکو در ذهن مردم فروریخت / عباس نعمتی و حمید طاهری
- ۳۸۷ ..... درس‌های فاجعه پلاسکو برای تلویزیون ایران / عبدالله بیچرانلو
- ۳۹۵ ..... سرکشی تحمل‌ناپذیر نمادها / ناصرالدین علی تقویان
- ۴۰۵ ..... که نه خاطر تماشا، نه هوای باغ دارد / ریحانه جوادی
- ۴۱۷ ..... حادثه ساختمان پلاسکو و افکار عمومی / رضا صفری شالی
- ۴۲۵ ..... اختلال جمعی / علیرضا آقاییوسفی
- ۴۳۳ ..... سلفی‌بگیران پلاسکو / احسان شاه قاسمی
- ۴۴۱ ..... خوش‌حالی‌ها و خوش‌بختی‌های رسانه ملی / نوح منوری
- ۴۴۷ ..... فاجعه پلاسکو: امکان بسیج اجتماعی و نقش رسانه‌ها / حامد طالبیان
- ۴۵۵ ..... شوک درمانی افکار عمومی و دیگر هیج / محمد آقاسی
- ۴۶۱ ..... کنش سیاسی و عکاسی از فاجعه / ریحانه اصلانزاده

### برای آینده

- ۴۷۱ ..... از فروریزش نماد مدرنیته تا برساخت فرهنگ رشادت / سیده راضیه یاسینی
- ۴۸۱ ..... علاج واقعه / جولان فرهادی بابادی



# مدیریت و سیاست شهری





## چتری برای پلاسکو

یاسر باقری

دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی

حادثه پلاسکو از منظرهای بسیار متفاوتی قابل بررسی است؛ برخی از این دیدگاه‌ها در سایر جستارهای این کتاب ارائه شده است و برخی نیز نیازمند تأمل بیشترند. قلمروی بحث در این جستار با سه مفهوم «مشارکت»، «همبستگی» و «نهاد» تعریف می‌شود.

اگر به مرور سریع رخداد پلاسکو بپردازیم، تصاویر متنوعی در برابر چشمانمان می‌گذرد: «راه ندادن به ماشین‌های آتش‌نشانی»، «تجمع گسترده مردم تماشاگر و دشوار کردن کمک‌رسانی»، «تقاضای بالا برای اهدای خون»، «اعلام آمادگی بسیاری از مردم برای کمک در محل»، «درگیری و اختلاف بر سر مقصران در فضای مجازی»، «تفسیر دوگانه از مشارکت با سبک جهادی یا ژست‌های پوپولیستی»، «حضور گسترده مردم در ایستگاه‌های آتش‌نشانی و هم‌دلی و تسلی‌بخشی»،

«حمایت‌های نقدی و غیرنقدی نهادهای عمومی و دولتی»، «شایعات متعدد ریزش تعدمی پلاسکو تا ارتباط آن به زمین و زمان» و ...

رفتارهای متناقض مردم در این میان، به دلیل تفاوت میان کنش‌گران این کنش‌ها نیست؛ در بسیاری از مواقع، افرادی که در فضای مجازی به دیگران می‌تاختند، همان کسانی بودند که در کنار ایستگاه‌های آتش‌نشانی اشک می‌ریختند و یا خون خود را اهدا می‌کردند. یا هدف برخی از کسانی که با دوربین خود به تصویربرداری پرداختند، مشارکت در امر اطلاع‌رسانی برای سایر مردم بود، اما مسئله اساسی در این است که مشارکت‌های پراکنده در این میان، گاه منجر به مزاحمت و کارشکنی در مسیر کمک‌رسانی می‌شود و در واقع مشارکت، زمانی کارآمد خواهد بود که با همبستگی و نهادینگی همراه شود. برای روشن‌تر شدن موضوع، بهتر است به این نکته اشاره کنیم که آنچه جنگ‌های جهانی را به فرصتی برای بروز سیاست‌های اجتماعی و حمایت‌های اجتماعی نهادمند بدل کرد، سایه «همبستگی اجتماعی» و «نهادسازی» بر سر «مشارکت اجتماعی» بود. مفهوم همبستگی، کلید فهم تاریخ دهه‌های میانه قرن بیستم، به‌ویژه در انگلستان است. حمایت‌های اجتماعی گسترده در غرب ذیل دولت‌های رفاه، از بطن «عدالت» برون نیامد، بلکه «همبستگی»، چنین اموراتی را مقدور کرد. رخدادهای دشوار و بزرگ جنگ‌های جهانی، سبب مشارکت گسترده مردم از اقشار مختلف در دفاع از کشورشان شد که حاصل چنین مشارکت گسترده‌ای، پذیرفتن بیشتر یکدیگر و افزایش همبستگی میان مردم بود. این همبستگی در اواسط قرن بیستم در قالب نهادهای اجتماعی تبلور یافت و درخت پرثمر سیاست‌گذاری اجتماعی و دولت رفاه را پدید آورد.

کلید موفقیت یک کشور در مقابله با گسست‌های بزرگ اجتماعی یا مخاطرات طبیعی و غیرطبیعی، کنار هم قرار گرفتن هر سه مفهوم مذکور است. حتی پیوند همبستگی و مشارکت هم، بدون نهادسازی





نمی‌تواند کارا باشد و به تحرکات توده‌ای و بسیج شدن‌های احساسی منجر می‌شود که تنها خاصیت درمانی دارند و اثرات بازدارندگی ندارند. با چنین وضعیتی، همواره باید بارها شاهد تکرار پلاسکوها و سپس جان‌فشانی آتش‌نشان‌ها و امدادگران و فداکاری مردم باشیم. اگرچه بروز روحیه ایثارگری در مردم، قابل ستایش است، اما همواره خود نشانه‌ای از سهل‌انگاری و کوتاهی در بخشی از جامعه است و ایثارگری، بهای گزافی برای کوتاهی دیگران قلمداد می‌شود. جمله‌ای که سخن‌گوی سازمان آتش‌نشانی با اندوه بسیار بیان کرد، بهترین شرح برای این ماجراست: تا کی باید هزینه سهل‌انگاری دیگران را همکاران ما بدهند!

### حاکمیت مشارکت غیرنهادمند در ایران

برای بررسی بیش‌تر نهادینگی مشارکت در ایران، بهتر است نگاهی به وضعیت مشارکت مردم در رابطه با موضوع مورد بررسی بیفکنیم. در مطالعات بین‌المللی آتش‌نشانی با مفهومی به نام «آتش‌نشانِ داوطلب» روبه‌رو می‌شویم که با توجه به میزان مشارکت آن در حوزه مقابله با رخدادهای غیرمترقبه، می‌تواند شاخصی برای سنجش مشارکت نهادمند در کشورهای مختلف باشد.

متأسفانه آمارهای دقیقی در حوزه آتش‌نشانی (همچون سایر حوزه‌های اجتماعی) در ایران وجود ندارد؛ مهمترین آمارهای موجود در زمینه مورد بررسی، آماری است که از سوی مرکز آمار آتش (CTIF) وابسته به انجمن بین‌المللی آتش و خدمات نجات<sup>۱</sup> منتشر می‌شود و متأسفانه بخش آمار مربوط به ایران از سال ۲۰۰۵ (نخستین سالنامه آماری) تا سال ۲۰۱۶ یکسان بوده و به روز نشده است. در آمارنامه سال ۲۰۱۰ مرکز مذکور، به بررسی شاخص‌هایی پرداخته شده است که

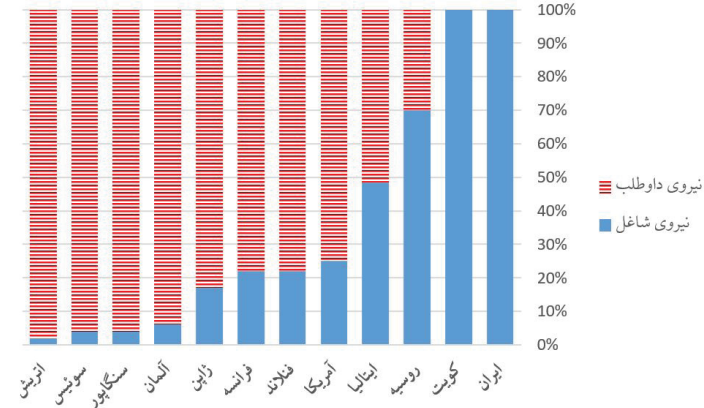
1. International Association of Fire and Rescue Services



می‌تواند برای این نوشتار مفید باشد. براساس آمارنامه مذکور، در ایران به ازای هر ۶۸۹۳ نفر، یک آتش‌نشان وجود داشته است؛ در حالی که در کشورهای پیشرفته این آمار بین ۲۰۰ تا ۱۰۰۰ نفر به ازای یک آتش‌نشان بوده است. این مسئله به معنای اختلاف بسیار زیاد بین کشور ما با کشورهای پیشرفته دنیاست. یکی از دلایل مهم این اختلاف، استفاده گسترده از «آتش‌نشان داوطلب» در کشورهای توسعه‌یافته بوده است. برای نمونه در کشور ژاپن اگر تنها بر آتش‌نشان‌های شاغل تمرکز کنیم، به ازای یک آتش‌نشان، ۸۳۱ نفر پوشش داده می‌شدند، اما با توجه به استفاده بجا از آتش‌نشان‌های داوطلب، این نسبت به ۱۱۷ نفر کاهش یافته است و یا در کشور آلمان، وضعیت بسیار جالب توجه‌تر است، چرا که بدون احتساب آتش‌نشان‌های داوطلب فعال، هر آتش‌نشان، ۲۰۰۹ نفر را پوشش می‌داده است، اما با توجه به بهره‌برداری گسترده از آتش‌نشان‌های داوطلب، میزان پوشش برای هر آتش‌نشان به عدد ۷۶ تنزل یافته است. یعنی در آلمان، به ازای هر آتش‌نشان شاغل، دست‌کم ۲۵ آتش‌نشان داوطلب وجود داشته است. این نسبت برای آلمان در سال ۲۰۱۶ به ۲۳ برابر رسیده است. یعنی حدود ۵ درصد از آتش‌نشان‌های این کشور، آتش‌نشان‌های شاغل و ۹۵ درصد دیگر آتش‌نشان داوطلب هستند. همچنین این نسبت برای ژاپن در سال ۲۰۱۰ بیش از شش برابر و در سال ۲۰۱۶، بیش از پنج برابر بوده است. یعنی در ژاپن نیز حدود ۸۰ درصد آمار آتش‌نشان‌ها را آتش‌نشان‌های داوطلب تشکیل می‌دهند. براساس آمارهای سال ۲۰۱۶، علاوه بر کشور آلمان، کشورهای اسلوانی، سنگاپور، چین، سوئیس، ویتنام و اتریش نیز بیش از ۹۵ درصد از نیروهای آتش‌نشان خود را از نیروهای داوطلب تأمین کرده‌اند.



نسبت نیروهای داوطلب در میان آتش نشان‌ها



اما در ایران متأسفانه چنین رویکردی وجود نداشته است و این مسئله بیش از آن‌که به روحیه مشارکت‌گرایی/ مشارکت‌گریزی ایرانیان مرتبط باشد، به نبود سازوکارهای نهادی ارتباط دارد. در سال ۱۳۸۰ دبیرخانه ستاد هماهنگی امور ایمنی و آتش‌نشانی کشور، طرح تشکیل آتش‌نشان داوطلب را تدوین و ابلاغ کرد. در همان طرح، اعلام شده است که تنها هشت هزار نفر نیروی حرفه‌ای در سطوح مختلف آتش‌نشانی کشور فعال هستند، در حالی که به حدود ۱۶ هزار نیرو نیازمندیم. در طرح مذکور به صراحت بیان شده که علت ضعف در این امر این است که «هیچ‌گونه اقدامی در جهت جلب مشارکت نیروهای مردمی داوطلب صورت نپذیرفته است». در سال‌های پس از این طرح تا امروز، تعداد قابل توجهی کارگاه و کلاس آموزشی برگزار شد و تعداد زیادی از شهروندان، آموزش دیدند. با این حال به نظر می‌رسد که مشکل اساسی یعنی فقدان نهادسازی همچنان پابرجاست؛ چرا که بهره‌برداری سنجیده و نظام‌مندی از این افراد صورت نمی‌گیرد و بیشترین کارکرد آموزش آتش‌نشان داوطلب در ایران، آموزش و انتقال دانش به شهروندان در زمینه اطفای حریق بوده است و به نظر نمی‌رسد،

تعداد افراد داوطلبی که آماده به خدمت نگه داشته شده‌اند، قابل توجه باشد.

با این حال، مشارکت خودانگیخته و غیرنظام‌مند مردم در این میان، اندک نبوده است و در حادثه پلاسکو، تنها در حد اطلاع نگارنده از طریق پی‌گیری اخبار، موارد متعددی قابل بیان است: از تخلیه رایگان بخشی از آوارها توسط کامیون‌داران تا توزیع آش و حلیم و صبحانه و ... توسط مردم و هم‌دردی و حضور آن‌ها همراه با شمع و گل در کنار ایستگاه‌های آتش‌نشانی و...

نکته مهم در این میان این است که عموم مشارکت‌ها در این زمینه، نهادمند نبوده و حتی مشارکت و حمایت سازمان‌ها و نهادهای دولتی، عمومی و خصوصی نیز تنها به با هدف حمایت درمانی برای زخمی است که روح جمعی مردم را خدشه‌دار کرده است. در بهترین حالت، این حمایت‌ها منجر به بهبود وضعیت آسیب‌دیدگان و داغ‌دیدگان می‌شود، اما به نظر نمی‌رسد که تلخی پلاسکو، راهی به سوی مشارکت نهادمند و یا پیوند میان انشقاق‌های موجود ایجاد کند. همبستگی و هم‌دلی عمومی در این زمینه، فرصتی مناسب برای نهادسازی و جلب حمایت‌گری مردم برای طرح‌های مختلف در زمینه نظام‌مند شدن امورات در کشور است، تا مانع از تکرار فجایع بزرگ این چینی شود. حادثه آتش‌سوزی جمهوری در سال‌های قبل، به چنین نتیجه‌ای منجر نشد و فاجعه‌ای بسیار بزرگتر خلق شد.

جمع‌بندی این بخش آن‌که قصورهای فردی و اتفاقی، امری اجتناب‌ناپذیر است و معمولاً هزینه‌گزافی ندارد؛ اما قصورهای سیستماتیک، از یک‌سو، قابل اجتناب است و از سوی دیگر هزینه جبران آن، بسیار گزاف و بر دوش دیگران خواهد بود. کوتاه آن‌که به نظر می‌رسد، هر چه جامعه انتظام‌یافته‌تر باشد، به همان اندازه نیز باید



نیاز کمتری به جان‌فشانی در آن وجود داشته باشد. از این رو نهادسازی در جامعه اهمیتی وافر می‌یابد.

## مشارکت در فقدان همبستگی

ماجرای تلخ پلاسکو، زمانی تلخ‌تر و نگران‌کننده‌تر می‌شود که دریابیم جامعه کنونی ما علاوه بر ضعف‌های نهادی، با ضعف در همبستگی نیز روبروست. پیوند میان نهادسازی و مشارکت نیز در فقدان همبستگی، نه تنها نمی‌تواند کارآمد باشد بلکه ممکن است به یک کژکارکرد بزرگ تبدیل شود. مصداق بسیار بارز چنین وضعیتی، مبارزه میان احزاب مسلح در برخی از کشورهای توسعه‌نیافته است و مصداق حداقلی آن در ایران، با تقابل و خنثی کردن نتایج مشارکت یک دسته به وسیله دسته دیگر قابل رویت است. به نظر می‌رسد، تضعیف شدن همبستگی در جامعه ایران، به کاهش اثرگذاری و کارآمدی مشارکت مردم در رخداد تلخ پلاسکو و یا حتی تقابل میان آن‌ها انجامید. کوشش می‌کنم تا با این مفهوم‌بخشی، تصاویر ابتدای نوشتار را توضیح دهم. افراد بسیاری که می‌کوشیدند تا با دوربین‌گوشی‌هایشان، تلخی پلاسکو را به تصویر بکشند، برخلاف ادبیات برجسب‌زنانه و لبریز از خشونت برخی از تحلیل‌گران، «رفتاری سادیستیکی» و همراه با «لذت سادیستیکی» و انواع بیماری‌های روانی نداشتند، بلکه رفتارشان بیش از هر چیز، ناشی از تضعیف همبستگی و مهمترین عنصر آن یعنی «اعتماد» میان بخش‌هایی از مردم با دستگاه‌های دولتی از جمله صدا و سیما بود که سبب می‌شد تا در جایگاه شهروند-خبرنگار، آن صحنه‌های تلخ را به تصویر بکشند تا سندی باشد در برابری سانسور احتمالی صدا و سیما یا تکذیب برخی از مسئولان. آن‌ها پیش از این هم، بارها دست به تصویربرداری زده‌اند و از سوی کاربران فضای مجازی تحسین شده‌اند. بنابراین دست‌کم با نوعی مشارکت در اطلاع‌رسانی از سوی آن‌ها روبرو



بوده‌ایم، هرچند ممانعتی ممکن است پیامدهایی ناخوشایندی به دنبال داشته است.

گسترده‌گی شایعات در رسانه‌های مجازی، تنها به ماهیت این نوع از رسانه‌ها متکی نیست؛ بلکه محصول گسترش نوعی بی‌اعتمادی و شکنندگی همبستگی در جامعه است. در کنار این شایعات، ناسزاهای متعدد میان هواداران کنش‌گران سیاسی و کوشش بر تضعیف یا حذف رقیب، حاکی از مشارکت در فضایی است که فاقد همبستگی است. در فضای فاقد همبستگی، هر نوعی کنشی با نیت‌خوانی طرف مقابل روبه‌رو می‌شود و مشارکت شخصیت‌های سیاسی، براساس نیت احتمالی‌شان تحلیل می‌شود. بنابراین این مشارکت‌ها در سطح سیاسیون به هم‌افزایی نمی‌انجامد بلکه به خنثی کردن کوشش‌های یکدیگر منجر می‌شوند؛ مشارکت و حتی مشارکت نهادمند در چنین فضایی (فاقد همبستگی)، به قول فیزیک‌دانان با نوعی تداخل ویرانگر<sup>۱</sup> روبه‌روست. از سوی دیگر، کوشش بسیاری از مدیران و مسئولان برای دیده‌شدن و عقب‌نماندن از قافله تشویق‌های سیاسی، سبب می‌شود که در هر جایی افکار عمومی متوجه آن‌هاست، حضور داشته باشند و با آن واقعه عکس یادگاری بگیرند؛ گویا غالب مدیران و مسئولان ما خود یک «آقای دوربینی» هستند. این کنش‌ها نیز بر بدبینی مردم و تعمیم قضاوت‌های منفی از مشارکت مسئولان می‌افزاید.

کوتاه آن‌که، آتش انشقاق در فضای سیاسی، همبستگی اجتماعی در کل جامعه ایران را تهدید می‌کند و این وضعیت، نیازمند آتش‌نشانی از جامعه مدنی است تا آن را فرو نشانند؛ هر چند پیش از آن و پیش از آن، نیازمند بازایستادن صاحبان قدرت از دمیدن بر این شعله‌ها هستیم. تنها با تقویت همبستگی و نهادینه کردن مشارکت مردمی، می‌توان به آینده

۱. به بیان ساده، هنگامی که دو موج به یکدیگر می‌رسند، اگر هم‌فاز نباشند، به جای «تشدید» یکدیگر، همدیگر را خنثی یا تضعیف می‌کنند که به این نوع هم‌رسی، «تداخل ویرانگر» می‌گویند.



امیدوار بود؛ هر یک از ما در این میان سهمی داریم؛ و سهم صاحبان قدرت در این بین، تنها این است که گاهی دم فرو بندند و سخن به افتراق نگویند.

## سخن پایانی

اگر به مثابه نکته پایانی بخواهیم اندکی دقیق‌تر، رانه تغییر را در ایران را نشانه رویم، باید از «نظام اداری» به عنوان مهمترین موضوع تأمل و تحرک نام ببریم. به باور نگارنده، آنچه می‌تواند نتیجه‌ای متفاوت برای کشور بیافریند، پویایی بیشتر و مشارکت فعالانه‌تر مردم در جایگاه‌های حقوقی و اداری خود است. نظام اداری ما با نوعی ضعف ساختاری روبروست، اما مشارکت مردم به عنوان عضوی از این نظام (در جایگاه کارمند یا مشتری) می‌تواند بر این ساختارها - اگرچه با دشواری - فائق آید. ما در کشور، نیازمند نوعی مشارکت فعالانه در نظام اداری هستیم که صرفاً به منافع فردی، بخشی یا سازمانی خود نیندیشیم و با حس همبستگی بیشتر به منافع عمومی مردم توجه کنیم. نمی‌توان در جایگاه مدیر، به نفع منافع سازمان از وظایف انسانی، کوتاهی کرد و نمی‌توان در جایگاه کارشناس به رأی مخالف مدیر بسنده کرد. اگر چنین مشارکتی (چه با خودانگیختگی و چه با تشویق مدیران) در نهادهای عمومی، حاکمیتی، دولتی و خصوصی حاکم شود، دیگر سهل‌انگاری، تضعیف شده و مشارکت، نهادمندی و همبستگی، دست‌کم در سطحی از جامعه در کنار یکدیگر خواهد نشست و انتظام‌یافتگی کارا امکان‌پذیر خواهد شد و می‌توان راه را بر تکرار رخدادهای تلخ و بزرگ بست.







فصلنامه علمی، پژوهشی و آموزشی  
دانشگاه شیراز